# 941209-711

**‌‌‌‌‌‌یک‌شنبه – جلسۀ 86**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که قبل از طواف نساء آیا غیر از جماع بقیه استمتاعات حلال است به مجرد حلق و تقصیر که نظر آقای خوئی هست و مرحوم استاد؟ و یا بقیه استمتاعات هم حرام است با طواف نساء حلال می‌شود که نظر مشهور هست.

آقای خوئی فرمود اگر ما باشیم و این خطاب‌های اولیه که می‌گویند حرمت نساء می‌ماند تا زمان طواف نساء، باید ملتزم بشویم به بقاء حرمت جمیع استمتاعات؛ چون حرمت نساء اثر ظاهرش استمتاعات از نساء هست. و لکن صحیحه فضلاء و صحیحه حلبی و هشام مشکل ما را حل کردند و تقیید زدند این اطلاقات حرمت نساء را.

اما صحیحه فضلاء مفادش این است که علاء بن صبیح و عبدالرحمن بن الحجاج و علی بن رئاب و عبدالله بن صالح کلهم یروون عن ابی عبدالله علیه السلام قال: المرأة المتمتعة اذا قدمت مکة ثم حاضت، زنی حج تمتع خواست بجا بیاورد، رسید مکه حیض شد، حضرت فرمود که سعیش را انجام بدهد، تقصیر هم بکند، برود محرم بشود برای حج تمتع، اعمال وقوف به عرفات و مشعر و اعمال منی را انجام بدهد، هر وقت پاک شد بیاید اول یک طواف عمره تمتع رو قضاء کند و بعد طواف حج را بجا بیاورد، بعد هم برود سعی کند برای حج. فاذا فعلت ذلک فقد احلت من کل شیء یحل منه المحرم الا فراش زوجها. وقتی طواف حج و سعی حج را بجا آورد محل می‌شود از هر چیزی که محرم از او محل می‌شود. هنگام خروج از احرام محرم از هر چیزی که محل می‌شود این زن هم با طواف و سعی محل می‌شود از آن‌ها. الا فراش زوجها؛ فقط می‌ماند فراش زوج که بر او حرام است. فاذا طافت طواف الآخر حل لها فراش زوجها.

آقای خوئی فرمودند فراش که فراش تکوینی که نیست؛ یعنی هم‌خوابه شدن با شوهر. یعنی جماع. پس می‌شود احلت من کل شیء الا مجامعة زوجها. پس بقیه استمتاعات داخل در عقد مستثنی‌منه است و این‌‌‌ها حلال شده. کانه آقای خوئی این صحیحه را اخص می‌داند از عمومات حرمت نساء قبل از طواف نساء؛ چون می‌فرماید که این روایت صحیحه فضلاء می‌گوید: حرمت جماع بین زن و شوهر باقی می‌ماند تا طواف نساء. مفهومش این است که بقیه استمتاعات حرمتش از بین می‌رود قبل از طواف نساء.

البته صحیحه فضلاء بعد از طواف و سعی حج را مطرح کرده. چطوری آقای خوئی از آن استفاده کرده که بعد از حلق و تقصیر و لو هنوز طواف و سعی نکرده جمیع استمتاعات غیر از جماع حلال می‌شود؟ دو جهت دارد. این صحیحه فضلاء اگر استدلال آقای خوئی تمام هم بشود می‌گوید بعد از طواف و سعی حج همه چیز حلال می‌شود مگر جماع بین زن و مرد که با طواف نساء حلال می‌شود. آقای خوئی فرموده بعد از حلق و تقصیر جمیع استمتاعات غیر از جماع حلال می‌شود استنادا به این صحیحه فضلاء با این‌که صحیحه فضلاء موضوعش بعد از طواف و سعی است. فاذا فعلت ذلک یعنی فاذا طافت و سعت للحج احلت من کل شیء الا فراش زوجها.

پس اگر کسی به آقای خوئی اشکال کند که اگر دلیل‌تان این صحیحه فضلاء است پس چرا نتیجه گرفتید که بعد از حلق و تقصیر جمیع استمتاعات حلال می‌شود؟ فقط حرمت جماع می‌ماند. این روایت بعد از طواف و سعی را می‌گوید.

آقای خوئی ممکن است دو تا جواب بدهد:

جواب اول این است که بگویند صحیحه معاویة بن عمار گفت: با حلق و تقصیر غیر از طیب و نساء حلال می‌شود بقیه محرمات احرام. با طواف و سعی طیب حلال می‌شود. با طواف نساء، نساء حلال می‌شود. پس طواف و سعی طبق صحیحه معاویة بن عمار هیچ نقشی در حلیت نساء ندارد؛ فقط نقشش در حلیت طیب است. وقتی این ثابت شد صحیحه فضلاء هم می‌گوید که قبل از طواف نساء استمتاعات حلال شده غیر از جماع. فقط جماع حرمتش می‌ماند با طواف نساء باید حرمت جماع را بر طرف کرد. این‌‌‌ها را با هم ضمیمه کنید. این مطلب را از صحیحه فضلاء بگیرید که قبل از طواف نساء استمتاعات حلال است بین زن و شوهر. ضمیمه کنید به صحیحه معاویة بن عمار که می‌گوید طواف و سعی هیچ نقشی جزء در حلیت طیب نداشت. معلوم می‌شود پس آن حلق و تقصیر است که سبب حلیت استمتاعات شده بود. اگر حلق و تقصیر سبب حلیت استمتاعات دیگر نشده بود پس باید حالا که بعد از طواف و سعی استمتاعات حلال شده طبق صحیحه فضلاء مستند باشد به این طواف و سعی. در حالی که صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید طواف و سعی نقشش حلیت طیب است: فاذا طاف و سعی حل له الطیب.

بالاخره صحیحه فضلاء که مفهوم نداشت. منطوقش این بود که بعد از طواف و سعی استمتاعات حلال است. ممکن بود قبل از طواف و سعی هم بعد از حلق و تقصیر استمتاعات حلال باشد. مفهوم که نداشت. ما با ضمیمه کردن صحیحه معاویة بن عمار که طواف و سعی هیچ نقشی جز حلیت طیب ندارد می‌فهمیم این حلیت استمتاعات از برکات آن حلق و تقصیر است. فثبت المطلوب.

[سؤال ... جواب:] لازم نیست ظهور برای یک صحیحه درست بشود. مجموع الصحیحتین یک مفادی دارد. ... جمع عرفی نیست. ضمیمه می‌کنیم دو صحیحه را. ... نه؛ فذا فعلت ذلک حل له کل شیء فاذا فعلت ذلک حل له کل شیء چون حلیت طیب بعد از این طواف و سعی است. همه چیز حلال می‌شود الا جماع. چرا؟ برای این‌که این طواف و سعی نقش دارد در حلیت طیب. اما در حلیت استمتاعات هم نقش داشته باشد این خلاف صحیحه معاویة بن عمار است که می‌گفت طواف و سعی حج فقط سبب حلیت طیب می‌شود. نتیجه می‌گیریم پس سبب حلیت استمتاعات چی بوده؟ حلق و تقصیر بوده. ... در این مرحله که با هم تعارض ندارند. فقط اطلاق حرمت نساء در صحیحه معاویة بن عمار شامل حرمت جمیع استمتاعات می‌شد. صحیحه فضلاء او را تقیید زد گفت فقط فراش زوجها حرام است.

و فرقی هم نمی‌کند که زن بقیه استمتاعات غیر از جماع بر او حلال است، بعدم الفصل هم می‌گوییم بر مرد هم حلال است.

ایشان فرموده صحیحه حلبی و صحیحه هشام هم دلیل بر مطلب ما است. چون در آن دو صحیحه دارد که ربما اخرت الطواف و السعی الی بعد ایام التشریق. بعد حضرت فرمود و لکن لا تقرب النساء و الطیب؛ یعنی لاتجامع النساء. این ظاهرش این است که منحصر است حرمت باقی بعد از حلق و تقصیر به این دو چیز: یکی قرب النساء که جماع با نساء است. یکی هم طیب. یعنی بعد از حلق و تقصیر و قبل از طواف و سعی فقط جماع با نساء و طیب حرام است نه بقیه استمتاعات با نساء.

این محصل فرمایش آقای خوئی.

بعد در ادامه آقای خوئی یک صحیحه‌ای را مطرح می‌کند. می‌گوید یک وقت فکر نکنید یک صحیحه‌ای داریم معارض با صحیحه فضلاء.

[سؤال ... جواب:] این‌که از کجا بفهمیم که بعد از حلق و تقصیر بقیه استمتاعات حلال شده یکی جمع بین صحیحه فضلاء و صحیحه معاویة بن عمار است. یکی هم همین صحیحه حلبی و صحیحه هشام که قبل از طواف و سعی فقط منحصر کرد محرمات احرام را به حرمت جماع و طیب. و لکن لاتقرب النساء و الطیب. این هم واضح است که بعد از طواف و سعی فرمود:‌ و لکن لاتقرب النساء و الطیب. یعنی لاتجامع النساء و الطیب. مثل این‌که در مورد حائض می‌گویند لاتقربوهن. منافات ندارد که بقیه استمتاعات با زن حائض حلال باشد فقط جماع حرام است. اینجا هم و لکن لاتقرب النساء و الطیب. این هم دلیل دوم است بر این‌که قبل از طواف و سعی هم فقط جماع حرام است. بعد از حلق و تقصیر بقیه استمتاعات حلال می‌شود.

در انتهاء آقای خوئی فرمودند یک صحیحه‌ای هست ممکن است یک کسی بگوید معارض با این صحیحه فضلاء و یا صحیحه حلبی و هشام است. و آن صحیحه این است: رجل قبّل امرأته و قد طاف طواف النساء و لم تطف هی. زنی طواف نساء نکرده. شوهرش طواف نساء کرده. آمد بنده خدا کاری هم نکرد. قبّل امرأته. امام فرمود علیه دمٌ یهریقه من عنده. ممکن است کسی بگوید معلوم می‌شود که قبل از طواف نساء تقبیل بشهوة غیر از این‌که حرام است کفاره هم دارد. تازه این مرد طواف نساء کرده بود؛ زنش طواف نساء نکرده بود. حالا اگر خود این مرد طواف نساء نکرده بود که بطریق اولی این حرمت تقبیل بشهوة باقی بود. بعد بگویید این معارض است با صحیحه فضلاء و صحیحه حلبی و هشام.

آقای خوئی حواسش جمع است. می‌داند اگر این معارضه جا بیفتد، تثبیت بشود، می‌آیند می‌گویند تعارضا تساقطا. رجوع می‌کنیم به اطلاق دلیل حرمة النساء قبل طواف النساء. چون اطلاق حرمة النساء را پذیرفت آقای خوئی. دنبال مخصص بود حالا مخصصش مشکل معارض پیدا کرده.

آقای خوئی فرموده: اولا به شما بگویم این صحیحه معرض‌عنه اصحاب است. هیچ فقیهی ملتزم نشده که مرد طواف نساء کرد، زنش طواف نساء نکرد، زن هم که خطائی نکرد، این مرد آمد تقبیل کرد زنش را، باید این مرد کفاره شاة بدهد. چرا؟ هیچ کس به این ملتزم نشده. معرض‌عنه اصحاب است این روایت. قابل التزام نیست. تسالم اصحاب را آقای خوئی بر خلاف یک حدیث موجب عدم حجیت آن می‌داند. چون می‌گوید تسالم اصحاب موجب وثوق می‌شود، وثوق شخصی، موجب وثوق شخصی می‌شود به خلل در یک حدیث. فرق می‌کند با اعراض مشهور. اعراض اصحاب یعنی تسالم اصحاب بر عدم عمل به یک حدیث موجب وثوق شخصی می‌شود به خلل. این مطلب را شبیهش را آقای خوئی در بحث بینه بر ثبوت هلال که دو نفر می‌گویند ما ماه را دیدیم اما جماعت زیادی هم استهلال کردند می‌گویند ما که ندیدیم. که روایت می‌گوید لیس الهلال ان یقوم واحد فیقول قد رأیت. اذا رآه واحد رآه خمسون. هلال این‌طور نیست که یک نفر بایستد بگوید من دیدم. بقیه بگویند ما نگه کردیم و ندیدیم. اذا رآه واحد رآه خمسون. آقای خوئی می‌فرماید این هم همین مطلب ما را می‌گوید که وثوق شخصی به خطا ثقه یا بینه پیش می‌آید و این وثوق موجب خلل می‌شود در خبر ثقه و یا شهادت بینه. دیگران مثل آقای سیستانی و آقای صدر می‌گویند موجب وثوق نوعی می‌شود. که حرف درستی هم هست. موجب وثوق نوعی می‌شود به خلل نه وثوق شخصی. وثوق نوعی پیدا می‌شود یا به تعبیر آقای صدر اماره عقلائیه می‌شود بر خطا آن شاهد.

بگذریم.

پس اشکال اول به این صحیحه معاویة بن عمار تسالم اصحاب هست بر عدم عمل به آن.

ثانیا: اشکال دوم: آقا! این روایت می‌گوید و لم تطف هی للنساء. زنش طواف نساء نکرده بود. یعنی زنش هنوز وظائف حج را تمام نکرده بود. مثل این می‌ماند که رجل لم یسلم فی صلاته. اما معنایش این نیست که تشهد خوانده و هنوز سلام نداده. نه؛ رکعت اول نماز‌تان هم باشید صدق می‌کند که هذا لم یأت بالسلام، لم یسلم لصلاته. یعنی نمازش را تمام نکرده است. این هم می‌گوید این زن طواف نساء انجام نداده بود یعنی تمام وظائف حج را انجام نداده بود. حالا ممکن است حلق و تقصیر هم نکرده بود.

[سؤال ... جواب:] مرد طواف نساء کرده بود اما زنش هنوز تقصیر نکرده بود. اطلاق دارد. ایشان می‌گوید نص نیست در این‌که کل اعمال را انجام داده بود فقط طواف نساءش مانده بود. اطلاق دارد. وقتی اطلاق داشت قید می‌زنیم. می‌گوییم در صورتی این مرد گناه کرده و باید کفاره بدهد که زنش هنوز تقصیر نکرده بوده. ... چرا؟ ... قبل از این ک زن تقصیر بکند ... نه؛ این‌که معرض‌عنه اصحاب نیست. بر این زن حرام است جمیع استمتاعات. به این مرد می‌گویند تو چرا رفتی تقبیل کردی بشهوة؟ ... حالا آن‌،‌ اشکال اول بود. بنا نیست که اشکال اول را تکرار کنید. اشکال اول اعراض اصحاب بود. اشکال دوم این است که اصحاب اعراض هم نکنند، مطلق است قابل حمل است بر جایی که این خانم تقصیر و طواف و سعی نکرده باشد.

انصاف این است: این فرمایش دوم که خیلی خلاف ظاهر است. اصلا استهجان عرفی دارد ما بگوییم مردی زنش را تقبیل کرد در حالی که این مرد طواف نساء کرده بود و زنش طواف نساء نکرده بود و لم تطف هی، بعد بگوییم یعنی هنوز تقصیر نکرده بود. یا منصرف است به این‌که فقط طواف نساء نکرده بود یا اباء دارد از حمل بر خصوص جایی که تقصیر و طواف و سعی حج را انجام نداده باشد. مطلق هم باشد حملش بر خصوص کسی که تقصیر نکرده طواف و سعی نکرده طواف نساء هم نکرده این حمل، حمل عرفی نیست. بر فرض مطلق باشد قابل حمل بر این فرض نیست.

و اما اشکال اول که فرمودند اعراض کرده‌اند اصحاب: اعراض اصحاب ثابت نیست. این فرغ معنون نیست در فقه. اعراض اصحاب از کجا برای شما کشف شد؟ آن هم نه اعراض مشهور؛ اعراض اصحاب، تسالم اصحاب بر خلاف. این از کجا برای شما کشف شد؟

[سؤال ... جواب:] اگر یک فرعی در فقه مطرح نشود این معنایش این است که اصحاب اعراض کردند؟ ... فتوی به خلاف دادند یا مسئله معنون نبود؟ چون فقهاء ما فروع جدیده نمی‌آوردند در بین قدماء. مبسوط شیخ یک مقدار توسعه داد فروع را. و الا بقیه کتب قدماء این‌طور بود که همان فروع معنونه را مطرح می‌کردند.

[سؤال ... جواب:] چون روایت دارد. روایت دارد که اذا طاف للنساء حل له النساء. ... مفاد روایت را گفتند. اما این فرض ... آن حیثی است. حل له النساء یعنی از حیث خودش مشکل بر طرف می‌شود. نه این‌که حالا که حلت له النساء بیفتد در کوچه و خیابان بگوید حلت له النساء. از حیث احرام حلت له النساء. منافات ندارد که خانمش مشکل دارد هنوز طواف نساء نکرده اذا قبّل امرأته و لم تطف هی للنساء فعلیه دم یهریقه من عنده. علیه دم یهریقه من عنده این من عنده یک نکته‌ای در آن هست. یعنی باید کفاره این حاج خانم را بدهد. ... نه؛ یهریقه من عنده. باید این مرد از نزد خودش یک گوسفند ذبح کند. این علیه دم یهریقه من عنده... کفاره این خانم را باید بدهد. مثل اکراه. در بحث اکراه دارند؛ می‌گویند اگر مردی زنش را اکراه کند... الجاء بحث دیگری است. الجاء یعنی مسلوب الاختیار بکند، آنجا اصلا روزه زن باطل نمی‌شود. ولی اگر نه، اکراه کند، یعنی همین اکراه‌های عرفی، مطاوع نباشد این خانم،‌ دارد که علیه کفارتان که یک کفاره کفاره‌ای است که مربوط به این خانم است ولی وظیفه این شوهر است که کفاره او را بدهد. زن هیچ تکلیف ندارد. اینجا هم همین‌طور است. این قابل التزام است.

و لذا ما معتقدیم این صحیحه معاویة بن عمار قابل عمل هست. و ملتزم می‌شویم. و اگر بناء است معارضه کند با صحیحه فضلاء و هشام و حلبی بعد از تعارض نوبت می‌رسد به اطلاق یحرم علیه النساء ما لم یطف للنساء.

[سؤال ... جواب:] دلالت این صحیحه معاویة بن عمار تمام شد. اگر صحیحه فضلاء نص باشد در جواز بقیه استمتاعات قبل از طواف نساء که آقای خوئی فرض کرده، می‌شود تعارض النصین. اگر نص باشد که فعلا فرض کردیم نص است صحیحه فضلاء، می‌شود تعارض النصین. بعد از تعارض النصین رجوع می‌کنیم به اطلاق یحرم علیه النساء ما لم یطف للنساء. این جواب اول ما. ... تقبیل بشهوة حرام است. ولی ملاعبه بشهوة جائز است. ... نه؛ کفاره بر مرد واجب می‌شود بخاطر این‌که کفاره زن را باید بدهد. ... حالا کفاره خودش را بدهد شما چرا در آن بحث می‌کنید؟ ... بطریق اولی وقتی خودش طواف نساء نکرده این تقبیل حرام است. زنش طواف نساء نکرده خودش طواف نساء کرده می‌گویید تقبیل حرام است. حالا اگر خودش طواف نساء نکرده تقبیل جائز است؟ تقبیل بشهوة وقتی حرام شد یعنی استمتاعات حرام است. فوقش می‌شود معارض با صحیحه فضلاء. بعد التعارض و التساقط رجوع می‌کنیم به اطلاق یحرم علیه النساء قبل ان یطوف للنساء که در صحیحه دیگر معاویة بن عمار بود.

این اشکال اول.

طبق این اشکال ما معتقدیم الاقوی یا الاحوط ان لم یکن اقوی بقاء حرمة جمیع الاستمتاعات قبل طواف النساء. البته نظر بشهوة را بعدا استثناء می‌زنیم که ان شاء الله وجهش را هم خوهیم گفت.

اشکال دوم به آقای خوئی: آقا! صحیحه فضلاء به نظر شما نص است؟ که اخص مطلق است از اذا طاف للنساء حلت له النساء؟ این‌طور است؟ کجا نص است؟ اطلاق است. اطلاق صحیحه فضلاء می‌گوید که این زن قبل از طواف نساء همه چیز بر او حلال است؛ مگر همبستر شدن با شوهرش. اطلاق دارد. نص که نیست. نسبت به استمتاعات دیگر اطلاق است که دلیل بر حلیت است. وقتی اطلاق بود با اطلاق صحیحه معاویة بن عماری که می‌گفت یحرم علیه النساء ما لم یطف للنساء فاذا طاف للنساء حلت له النساء متعارضین می‌شوند. می‌شود تعارض الاطلاقین. چرا شما معامله عام و خاص کردید؟ این‌‌‌ها عام و خاص نیستند. عامین من وجهین هستند.

[سؤال ... جواب:] چرا؟ ... اذا فعلت ذلک حلت له کل شیء الا فراش زوجها. اطلاق حل له کل شیء می‌گوید حلت له ارتماس فی الماء، حلت لها اسقاط الشعر، حلت لها الطیب. یکی هم حلت لها استمتاعات غیر از جماع. می‌شود اطلاق. می‌شود عموم. ... عرفا وقتی راجع به زن دارند صحبت می‌کنند، می‌گویند زن وقتی طواف و سعی حج را کرد همه چیز بر او حلال است مگر همبستر شدن با شوهر چون زن عادة غیر از همبستر شدن کار دیگری نمی‌کند. بقیه استمتاعات کار زن نیست. زن تمکین می‌کند می‌آید در همبستر شوهر. من نمی‌خواهم بگویم ظهور اطلاقی ندارد در جواز بقیه استمتاعات. چرا. چرا؛ ظهور دارد. چون فقط می‌گوید همبستر شدن حرام است. اطلاقش می‌گوید ملاعبه معاشقه معانقه این‌‌‌ها حلال است. اطلاق است. نص نیست. وقتی اطلاق شد می‌شود تعارض الاطلاقین. نسبت عموم من وجه می‌شود. چون آن روایتی که می‌گوید صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید قبل از طواف نساء نساء حرام است اطلاق دارد؛ چه جماعا چه تقبیلا چه لمسا. می‌شود اطلاق. این صحیحه فضلاء هم به اطلاقش می‌گوید قبل از طواف نساء همه محرمات احرام حلال می‌شود الا فراش زوج الا جماع با زوج. این هم به اطلاقش می‌گوید غیر از جماع بقیه محرمات احرام حرام است. استمتاع، طیب، سائر محرمات. شد تعارض الاطلاقین در مورد استمتاعات. تعارضا تساقطا. بعد از تساقط مشهور رجوع می‌کنند به استصحاب بقاء حرمت استمتاعات. ... نص است؟ صحیحه فضلاء... حالا اگر این روایت می‌گوید که بعد از طواف و سعی حلیله چیست؟ بر این زن حلال می‌شود مگر همبستر شدن با شوهر. یک جای دیگر سؤال کنند از امام که این‌‌‌ها با هم همبستر نمی‌شوند و لکن معانقه و معاشقه و ملاعبه و.. دیگه روی ما را باز نکنید، تفخیذ و.. حالا اگر امام این‌‌‌ها را بفرماید لا ابدا، شما می‌گویید این‌‌‌ها با هم تعارض دارند. عرف می‌گوید این‌‌‌ها را مثال زدند برای استمتاع جنسی. حالا مثال واضحش را زدند. فراش زوجها. شاید اصلا فراش زوجها کنایه بوده از مطلق استمتاعات. ... چرا؟ ... اگر شما -دقت کنید!- وجه‌تان این باشد که بگویید این صحیحه فضلاء عموم دارد: حل لها کل شیء، ولی صحیحه معاویة بن عماری که می‌گفت تحرم علیه النساء ما لم یطف للنساء اطلاق دارد نسبت به استمتاعات دیگر غیر از جماع و عموم عند التعارض بر اطلاق مقدم است، مثل عموم اکرم کل عالم که عند التعارض بر اطلاق لاتکرم الفاسق نسبت به عالم فاسق مقدم است به نظر مشهور، چون عام وضعی بر مطلق حکمی مقدم است باز یک وجهی داشت که جوابش این است که ما قبول نداریم این مبنا را. ما معتقدیم که عام مثل صاحب کفایه که فرمود عام با مطلق تعارض دارند و تساقط می‌کنند در مورد افتراق. و وجهی هم برای تقدیم عام نیست.

اما راجع به صحیحه حلبی و صحیحه هشام: اصلا مفهوم ندارد. مگر گفت همه چیز حلال است و لکن لاتقرب النساء و الطیب؟ دو تا مطلب مهم را گوشزد کرد. فرمود حالا که طواف و سعی را تاخیر می‌اندازی حواست باشد نزدیکی نکن با زن، استعمال طیب هم نکن. ... چه ظهوری دارد در حصر؟ اگر ظهور در حصر هم داشت آخرش می‌شد مثل صحیحه فضلاء که تعارض به عموم من وجه می‌کرد با اذا طاف للنساء حلت له النساء. ولی من اصلا اشکالم در ظهور این دو صحیحه هشام و حلبی است در حصر. ... ظهور حلت له کل شیء الا فراش زوجه انصافا یعنی همبستر شدن. مثل همان لاتقربوا النساء فی المحیض یا ما لم تمسوهن، لا مستم النساء چه ظهوری دارد در جماع؟ فراش زوجها ظهور دارد در همبستر شدن. به همان معنای کنایه‌ای از جماع است. این‌‌‌ها را ما قبول داریم. منتها می‌گوییم این نص نمی‌کند. ظهور اطلاقی است. تعارض می‌کنند به عموم من وجه با اطلاق تحرم النساء قبل طواف النساء. در مورد استمتاعات تعارضا تساقطا. رجوع می‌کنیم به استصحاب بقاء حرمت استمتاعات طبق نظر مشهور. بله، طبق نظر آقای خوئی که استصحاب در شبهات حکمیه جاری نیست که ما هم قبول داریم می‌شود برائت جاری کرد از حرمت جمیع استمتاعات قبل از طواف نساء. لولا آن وجه اول که صحیحه معاویة بن عمای که می‌گفت قبّل امرأته و لم تطف هی للنساء او را ما پذیرفتیم.

یک نکته عرض کنم این بحث را تمام کنم.

آقای داماد اصلا معتقد است که حرمة النساء‌ انصراف دارد به حرمت جماع. بر خلاف آقای خوئی که اطلاق قائل بود نسبت به استمتاعات، صحیحه فضلاء را مقید می‌گرفت، آقای داماد گفتند نه؛ یحرم النساء انصراف دارد به جماع. بخاطر صحیحه معاویة‌ بن عمار که قبّل امرأته و قد طاف للنساء و لم تطف هی گفته ما تعدی می‌کنیم به سائر استمتاعات.

که به نظر ما حرمة النساء اطلاق دارد. انصراف ندارد به جماع.

یک روایتی هم هست. روایت این است؛ می‌گوید که صحیحه علی بن یقطین: رجل قال لامرأته او لجاریته بعد ما حلق و لم یطف و لم یسع اطرحی ثوبک و نظر الی فرجها قال لاشیء علیه اذا لم یکن غیر النظر. قبل از طواف و سعی و بعد از حلق، به زنش گفت لباست را در بیاور و نظر الی فرجها امام فرمود اگر غیر از نظر چیز دیگری از او صادر نشده اشکال ندارد.

آقای داماد فرموده این مجمل است. اگر مقصود این است که امام می‌خواهد بفرماید اگر دست از پا خطا نکرده یعنی جماع نکرده فقط نگاه کرده اشکال ندارد.

این می‌شود حرمت جماع. می‌گوید اگر جماع نکردی فقط نگاه کردی اشکال ندرد. ولی اگر معنایش این باشد که اگر فقط نظر کرده شهوت‌رانی نکرده، نظر من غیر شهوة اشکال ندارد این می‌شود موافق نظر مشهور. می‌گوید فقط نظر بکنی شهوت‌رانی نکنی. شهوت‌رانی بکنی، نه؛ نمی‌شود. این می‌شود نظر مشهور. چون مجمل است این روایت را ما کار نداریم.

به نظر ما این روایت ظهورش در نظر بشهوة است. حالا چه انگیزه‌ای دارد بگوید اطرحی ثوبک؟ مگر طبیب است؟ وقتی می‌گوید اطرحی ثوبک و نظر الی فرجها قال لیس علیه شیء اذا لم یکن غیر النظر این اطلاق دارد. و قدرمتیقنش هم بلکه نظر بشهوة است.

و لذا نظر بشهوة جائز می‌شود. اما تقبیل بشهوة چطور؟ ملاعبه بشهوة چطور؟ نه؛ آن‌‌‌ها باقی می‌ماند در اطلاق حرمة النساء. و لذا معتقدیم جمیع استمتاعات حرام است قبل از طواف نساء. فقط ارفاق کرده شارع؛ گفته از چشم‌چرانی نسبت به خانمش جلوگیری نکنید. اذا لم یکن غیر النظر فلاشیء.

یقع الکلام در بقیه مسائل ان شاء الله فردا.